

تبیین مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر

زهرا محاسنی^۱

حمیدرضا معتمد*^۲

علیرضا قاسمی زاد^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر در دو بخش کمی و کیفی انجام شد. فاز اول پژوهش در چارچوب سنت پژوهش کیفی با استفاده از روش گراند تئوری با رویکرد سیستماتیک انجام گردید. بر مبنای اصل اشباع نظری از تعداد ۱۵ نفر از معلمان هنر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (گلوله برفی) مصاحبه نیمه ساختارمند اکتشافی به عمل آمد. برای سنجش اعتبار داده‌ها از روش سه سویه‌سازی استفاده گردید. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، رویکرد گراند تئوری بوده است. بر این اساس، داده‌ها در طی سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتیجه خروجی فاز کیفی ۹۷ کد باز، ۱۸ کد محوری و ۸ کد گزینشی بود. روش پژوهش در فاز کمی، توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری بخش کمی شامل ۳۶۲ نفر از معلمان درس هنر شهر شیراز بود، که از این تعداد به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۸۷ نفر بر اساس فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از فاز کیفی بود که اعتبار محتوایی و صوری آن توسط ۱۵ نفر از متخصصان تأیید گردید. و روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی انجام پذیرفت. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷ برآورد گردید. داده‌ها در بخش کمی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS26 و Smart PLS 3 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های مربوط به بخش کیفی پژوهش نشان داد در شش زمینه شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، زپدیده محوری، راهبردها، پیامدها و عوامل مداخله‌گر به ترتیب ۸ مقوله؛ دانش تخصصی، تخصص مدیریتی، صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر، ایجاد انگیزه، ارتقای بهره‌وری تدریس و کاهش آسیب‌های اجتماعی در مدرسه و ارتباط مؤثر در صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر نقش دارند.

واژگان کلیدی: صلاحیت‌های حرفه‌ای، معلمان، درس هنر

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.

^۲ * نویسنده مسئول استادیار مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.

^۳ استادیار مدیریت آموزشی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.

بی‌تردید در عصری زندگی می‌کنیم که با تغییرات و تحولات، همراه با پیشرفت و توسعه روزافزون رو به روست و علم و دانش نیز زیر بنای این امر مهم بوده و به سرعت در حال افزایش و تعالی می‌باشد، لذا تمامی سازمان‌ها در برابر این تغییرات همه‌جانبه و تحت فشار آن تسلیم شده و ملزم به پذیرش و نهایتاً برنامه‌ریزی در این راستا هستند (هورتیز، ۲۰۱۸). آموزش و پرورش هم نه تنها در این امر متثنی نیست بلکه از جمله سازمان‌هایی است که بیش از سایرین در زمینه پرورش استعدادها، خلاقیت و نوآوری افراد مسئولیت دارد. در این بین معلمان به عنوان یکی از ارکان اصلی و مهم آموزش و پرورش، دارای نقش اساسی در کیفیت آموزش و در نتیجه یادگیری هستند، توفیق یا شکست برنامه‌ها، فعالیت‌های آموزشی و پرورشی هر نظام و هر کشوری تا حدود زیادی به معلمان آن بستگی دارد (Okamoto, 2020). بنابراین از آنجا که کلید اصلی آموزش و پرورش در دست معلمان است، به کار گماردن تواناترین و شایسته‌ترین افراد برای حرفه معلمی از مهم‌ترین موضوعات است (برنج فروش آذر، فتاح، افکانه، ۱۴۰۰) و توجه به صلاحیت‌های معلمان موجب بقاء و ضامن تداوم نظام آموزشی و دستیابی به اهداف متعالی است. معلمان با استفاده از صلاحیت‌های حرفه‌ای خود علاوه بر اینکه می‌توانند با نوآوری و خلاقیت به توسعه حرفه‌ای و توانمندسازی خود کمک کنند، قادرند موجب برانگیختن دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف شوند (ایمان زاده، محب خواه، اعتماد زاده و فرهادی ۱۳۹۸). از آنجایی که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان اشاره شده و با توجه به اینکه تمامی برنامه‌های آموزش و پرورش بر محور اجرای این سند می‌چرخد، لذا توجه به این ویژگی در بکارگیری معلمان و هم‌چنین تاثیر آن بر متغیرهای مختلف دارای اهمیت ویژه می‌باشد. در این راستا با توجه به نقش بی‌بدیل و اثر گذار معلمان هنر در عرصه‌های گوناگون زندگی، پژوهش حاضر به تبیین مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر پرداخته است.

هنر و زیبایی‌شناسی، از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر توجه صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، زبان هنر اصیل‌ترین و خاص‌ترین و رساترین زبان‌هاست که به کمک آن می‌توان افراد جامعه را به سوی شناخت خویشتن، پیشرفت و تعالی سوق داد (حقیقی، شهرکی، محمدزاده و نوری شیرازی، ۱۳۹۹). زیستن در دنیای هنر حاصل مجموعه‌ای وسیع از معلومات، دانسته‌ها، یافته‌ها و ادراکات است. بر خلاف تصور عمومی درباره سادگی رشته هنر، سهل بودن تدریس، آزمون‌ها و قبولی در آن، رشته‌های هنری به دلیل گستردگی مطالب و منابع و اطلاعات مربوط به نیازهای متناسب با زندگی و تحولات عصر کنونی، بیش از سایر رشته‌ها و علوم به فراگیری، بازآموزی، تمرین، مطالعه و کسب بصیرت و مهارت نیاز دارند (نجفی، قهرمانی، ابوالقاسمی و عارفی، ۱۳۹۷). جامعه امروز با توجه به مسائل فردی و اجتماعی پیچیده‌ای که دارد نیازمند افرادی است که علاوه بر کسب صلاحیت‌هایی بتوانند به طور خلاق بیندیشد و باورها و توانایی‌های خود را بشناسند. یکی از معضلات حال حاضر کشور منفعل بودن فارغ‌التحصیلان مدرسه و دانشگاه برای بروز خلاقیت‌ها و توانمندی‌های خود در جهت ایجاد شغل، تکیه صرف به مشاغل دولتی، عدم پیشرفت در زندگی حرفه‌ای و ترس، ابهام و عدم خودباوری در بیان و بروز استعدادهاست (رحمانی‌فر، ۱۳۹۲؛ ۱۵).

مطالعات متعدد نشان می‌دهند که نظام‌های آموزشی باید در صدد اجرای روش‌های تدریس با هدف فعال‌سازی ذهن و جسم دانش‌آموزان باشند، بنابراین تحول، نوآوری و ابتکار عمل باید از مهم‌ترین دغدغه‌های آن‌ها باشد (شهریاری و نجفی، ۱۳۹۸). با وجود این مسائل و کوشش‌های انجام گرفته، غفلت‌های بزرگ در برنامه درسی هنر نیز جای بسی تأمل دارد. تقلیل ساحت هنر و زیباشناسی به حوزه طراحی و نقاشی در مدارس، عدم تربیت معلمان تخصصی هنر بطور جداگانه در مقاطع مختلف تحصیلی، عدم وجود دروس مبنایی چون نقد هنری، میراث فرهنگی، فلسفه و روانشناسی هنر و تأکید بیش از حد به تولید هنری را می‌توان از نواقص همین دوره‌های اندک موجود دانست.

شریف پهل و عابدینی (۱۳۹۹)، در پژوهش خود تحت عنوان پیامدهای بی‌توجهی معلمان به درس هنر (نقاشی-کاردستی-تئاتر) بیان می‌کنند: که همه ما گرایش مدارس به حذف هنر از برنامه درسیشان را دیده ایم. موسیقی، خلاقیت و آثار هنری و تئاتر در بسیاری از برنامه‌های درسی کمرنگ و بی‌اهمیت است. وی بیان می‌کند که عدم عدالت در تعلیم و تربیت، افراط در دروس مکتوب و حفظی و عدم بالانس کردن در جنبه‌های مختلف علم، عدم توجه به ابزارهای هنر و قابلیت کشف استعدادها، دانش‌آموزان توسط معلمان از مهم‌ترین بی‌توجهی‌ها به درس هنر توسط معلمان بوده است. هم‌چنین (شریفی و اکبری، ۱۳۹۸). بیان می‌دارند که هنر و تربیت هنریک در عین حال با وجود ساده بودن مفهوم اما از مسائل پیچیده و غامضی هستند که از گذشته‌های دور تا کنون ذهن بشر را به خود مشغول داشته‌اند و هردو وسیله‌ای برای ارتقاء حیات اجتماعی آدمی به شمار می‌روند و وقتی در قالب تربیت هنری، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند از اهمیت و کارکردی به مراتب قوی‌تر و اثرگذارتر برخوردار می‌شوند.

معلمان حرفه‌ای نقش مهمی در تضمین رقابت فارغ‌التحصیلان حرفه‌ای در بازار کار دارند (شریفا، ۲۰۲۲). برای بالا بردن کیفیت آموزش حرفه‌ای، انتظار می‌رود معلمان حرفه‌ای از فرصت‌ها برای توسعه خود، هم در داخل و هم در خارج از مدرسه استفاده کنند (ریدجی و کیپلس^۲، ۲۰۱۹). در سال‌های اخیر، یادگیری حرفه‌ای معلمان توجه زیادی را به خود جلب کرده است، زیرا جامعه و صنعت معاصر به سرعت در حال تغییر هستند، به این معنی که معلمان حرفه‌ای باید شیوه تدریس خود را با جدیدترین پیشرفت‌ها وفق دهند (نومارا^۳، ۲۰۱۷). به منظور حمایت از معلمان حرفه‌ای برای مقابله با این تغییرات مداوم، انواع ابتکارات یا فعالیت‌های یادگیری حرفه‌ای به کار گرفته شده است. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی از نوآوری‌ها یا اصلاحات در زمینه آموزش حرفه‌ای اعمال شده است که الزامات شایستگی معلمان حرفه‌ای را تغییر می‌دهد و از این رو آن‌ها را تحریک می‌کند تا با یادگیری حرفه‌ای همگام شوند. به‌عنوان مثال، در هلند «آموزش مبتنی بر شایستگی» معرفی شد، به‌عنوان مثال، یک نوآوری آموزشی که مستلزم برنامه‌های درسی در آموزش حرفه‌ای است، باید از تحلیل نقش‌های واقعی متخصصان در جامعه استخراج شود. برای درک آن، از معلمان حرفه‌ای در رشته‌های مختلف حمایت می‌شود که به‌طور مشترک کار کنند و در یادگیری تیمی شرکت کنند (کانتتر^۴ و همکران، ۲۰۱۳). صلاحیت حرفه‌ای را توانایی معلم در برآوردن نیازها و مطالبات حرفه تدریس به میزان کافی و با استفاده از مجموعه‌ای یکپارچه از دانش، مهارت و نگرش تعریف کرده است؛ طوری که این مجموعه در عملکرد و تفکر معلم نمایان باشد. کسب صلاحیت و شایستگی حرفه‌ای معلمان مسئله‌ای است که از اهمیت زیادی برخوردار

¹ - Shareefa

² - Ridge & Kippels

³ - Namara

⁴ - Kunter

است و برای انتخاب و جذب معلمان ضروری است. معلم شایسته و اثربخش، معلمی است که بتواند در شغل خود آموزش‌های لازم را ببیند و به رشد صلاحیت‌های حرفه‌ای برسد و همچنین تجربیات زیادی را به دست آورد تا بتواند در ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر واقع شود (ریکینبرج، فارهات، ژانگ، ویسمولر، جونگی و یولمر، ۲۰۱۰).

در حال حاضر، محققان آموزشی به طور گسترده‌ای پذیرفته‌اند که شایستگی حرفه‌ای معلمان باید هم جنبه‌های شناختی مانند دانش و هم جنبه‌های خاص موقعیت، مانند توجه معلم را شامل شود که به نوبه خود شامل جنبه‌هایی مانند ادراک، تفسیر و تصمیم‌گیری می‌شود. در چند سال گذشته، تلاش‌ها برای گسترش مفهوم صلاحیت حرفه‌ای معلمان، توسعه روش‌های اندازه‌گیری جدید و کشف چگونگی تسهیل رشد شایستگی معلمان صورت گرفته است. بر اساس دیدگاه گسترده‌تر از شایستگی معلم، مطالعات تجربی به بررسی راه‌های آن پرداخته‌اند که مؤلفه‌های مختلف صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر به طور مشترک بر کیفیت آموزشی معلمان و یادگیری درس هنر دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. از طرفی، مدت‌هاست که گفته می‌شود پژوهش در زمینه آموزش معلمان هنر پتانسیل بسیار زیادی دارد اما به نظر می‌رسد که این درخواست تا حد زیادی فقط توسط محققانی که برای مجلات آموزش هنر می‌نویسند شنیده شده است. آموزش معلمان هنر و مهدکودک تا پایه دوازدهم و استفاده از فناوری‌های هنر، حوزه‌های موضوعی هستند که باید بدان پرداخته شود. این امر نیاز به توسعه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان را افزایش می‌دهد (فوس و پدرس،^۱ ۲۰۱۶).

با عنایت به این اشارات، نقش معلمان به سواد آموزی محدود نمی‌شود، بلکه وظیفه تسهیل‌گری در جهت رشد تفکر منطقی، انتقادی، خلاقانه و توانمندی‌های متناسب با آن‌ها را در دانش‌آموزان به عهده دارند. در مجموع می‌توان اظهار داشت که آموزش هنر، مسئله‌ای فراتر از تدریس مهارت‌ها، فعالیت‌ها و دانش خاص به یادگیرندگان است. در این راستا برنامه‌های آموزش هنر، علاوه بر قابلیت‌های کارگاهی، باید به سمت آماده‌سازی بیشتر معلمان ترغیب شود به گونه‌ای که مهارت‌هایی را در خود رشد دهند که برای مشارکت با هنرمندان و معلمان سایر موضوعات درسی در موقعیت‌های آموزشی نیاز است.

پژوهش‌های زیادی پیرامون صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان صورت گرفته که در ادامه بدان می‌پردازیم، که به طور کلی به بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان پرداخته شده است، اما پژوهشی که صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر را بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است؛ همچنین این صلاحیت‌ها از دیدگاه معلمان و متخصصانی که این درس را تدریس کرده‌اند شناسایی نشده است، بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر تبیین مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر می‌باشد.

در پژوهش سوانزی-ایمپرایم، ای. موریس، دبلیو لومیس و جونز^۲ (۲۰۲۲)، نشان دادند، که معلمان تمرین‌کننده در اجرای خلاقیت در تمرین تدریس خود موفق‌تر بوده و اهداف چارچوب برنامه درسی را برآورده می‌کنند. همچنین، ارائه دهندگان آموزش و ذینفعان باید تمرین هنری معلمان هنرهای تجسمی را تشویق کنند و آن را به بخشی جدایی‌ناپذیر از تمرین حرفه‌ای تبدیل کنند. نشان دادند که آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری باعث افزایش علاقه به درس هنر در دانش‌آموزان شده و همچنین تأثیر معناداری در عشق به یادگیری آنان داشته است (شریفا، ۲۰۲۲). طی پژوهشی نشان دادند که مهارت‌های هنری و باور به ارزش‌های هنر در مصاحبه‌ها با اهداف رویکرد تربیت هنری یک راستا نبود. سالری و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان

1 - Foss & Pedersen

2 - Swanzy-Impraim, Morris, Lummis, & Jones

3 - Salery et al.

دادند، هفت عامل که به عنوان مهارت‌های عمومی و لازم حتی‌الامکان باید در برنامه درسی دانشجو معلمان قرار گیرد، عبارتند از مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی و حل مسأله، کارکردی، یادگیری مادام‌العمر، اطلاعات و مهارت مدیریتی، مهارت کارآفرینی، مهارت اخلاق حرفه‌ای و مهارت رهبری است. فوسل^۱ (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان داد، معلمان هنر باید آموزش صحیح و کاربردی را در اولویت کار خود قرار دهند و در تقویت مؤلفه‌های آن برای ارتقای اثربخشی آموزش خود، تلاش کنند.

با اشراف بر این مطالب، طرح‌های کاربردی و پژوهشی مختلفی را در زمینه‌های مختلف علمی در ارتباط با صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان به مرحله اجرا رسانده‌اند که در هریک از آن‌ها جنبه‌ای خاص از اقدامات، منجر به بهبود وضعیت موجود گردیده است لکن با جستجوی کوتاه در منابع لاتین و فارسی می‌توان دریافت که درباره ارائه مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر که یکی از موضوعاتی می‌تواند باشد که جایگاه مهمی در این زمینه دارد تحقیقی انجام نشده است، که انجام این پژوهش می‌تواند به کاستن خلاءهای شناختی و دانشی موجود کمک نماید. از سویی صلاحیت‌های حرفه‌ای به لحاظ پیچیدگی و ابعاد مختلفی که دارد، تاکنون متخصصان و صاحب‌نظران متعددی را به خود مشغول نموده است. هم‌چنین، قیاسی و موسوی، (۱۳۹۹)، در این زمینه بیان می‌کنند که ما نیاز به پرورش انسان‌هایی داریم که بتوانند با تفکری خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آن‌ها بپردازند، خلاقیت یک توانایی همگانی است که ناشی از عوامل فردی و شخصیتی است. هرچند توانایی تفکر خلاق بطور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه گذاشته شده است اما ظهور و بروز آن مستلزم پرورش آنست که این مهم جز با توانمندی و شایستگی حرفه‌ای معلمان شدنی نیست. هم‌چنین، (هنری، ۱۳۹۷)، رشد و آموزش هنر برای دانش‌آموزان را موجب رشد آینده کشور می‌دانند و بیان می‌کنند که سیستم آموزشی نقش بسیار مهمی در آینده آنان دارد. بسیاری از دانش‌آموزان علاقه‌ای به درس خواندن ندارند، این موضوع از نظر متخصصان بسیار طبیعی است، زیرا آنان علاقه دارند تفریح کنند و سرگرم باشند، این در حالی است که در وهله اول می‌بایست خانواده‌ها در خانه حس کنجکاوی و یادگیری کودکان را فعال کنند و سپس این آموزش را به همراه محیط مدرسه پیش ببرند. چرا که امروزه ملت‌ها به نیروهای انسانی متفکر و نواندیش نیاز دارند و بی‌گمان زنگ هنر اگر با معلمان شایسته در این زمینه اداره شود می‌تواند جوابگوی این نیاز دانش‌آموزان و جامعه باشد.

دستاورد‌های حاصل از این پژوهش به شناخت گزینه‌های تصمیم‌گیری ساماندهی از بعد استراتژی‌های مناسب در بخش اجرا کمک خواهد کرد. پس لازم است در راستای استفاده از موارد مذکور و کاربرد آن در ارائه مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان نیز تحقیقات مرتبطی انجام گیرد، و هم‌چنین بایستی ذکر نمود که خلأ وجود پژوهشی در این راستا را می‌توان به عنوان فرصتی جهت ارائه نمونه‌ای کاربردی عنوان نمود. ضمن اینکه پژوهش حاضر با معرفی اصول، مفاهیم و ویژگی‌های عمده نظری صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، کارشناسان را با جنبه‌های مختلف این موارد آشنا می‌سازد، با بررسی تجارب عملی موجود بین‌المللی در زمینه بکارگیری این مطالب و مشخص نمودن ضرورت بکارگیری آن و امکان کاربرد آن در شرایط مدارس ایران، صاحب‌نظران را به تفکر درباره کاربرد آن در این قسمت تشویق می‌کند.

^۱ - Fossil

نتیجه این پژوهش می‌تواند سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان مدارس و آموزش و پرورش و ارگان‌های مرتبط را پیرامون به کارگیری مدل مطروحه آشنا سازد، همچنین نکته مهم در این رابطه کمبود پژوهش در ارتباط با جنبه‌های مختلف صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر در بخش اجراست که این پژوهش می‌تواند محققان را نسبت به انجام تحقیقات مشابه در این خصوص تشویق کند. ضمناً با توجه به مطالب ذکر شده، پژوهش حاضر به منظور ارائه رهنمودها و راه‌حلی برای رفع کاستی‌ها و نارسایی‌های نظام آموزش و پرورش ایران در زمینه توجه به معلمان به ویژه در زمینه‌های صلاحیت‌ها و بهبود نگرش و مهارت و باورهای مورد نیاز معلمان هنر پرداخته است که نتایج این پژوهش می‌تواند برای دانشگاه فرهنگیان، برنامه‌ریزان مدیریت منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش، سازمان‌های آموزش و پرورش، مدارس و معلمان و مدیران مقاطع مختلف تحصیلی خصوصاً متوسطه اول مورد استفاده قرار گیرد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی مولفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر می‌باشد.

روش پژوهش

ماهیت این مطالعه به لحاظ اجرا ترکیبی (آمیخته اکتشافی) است زیرا در فرآیند پیشبرد مطالعه از رهیافت‌های کمی و کیفی بهره گرفته می‌شود. روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است چرا که نتایج حاصل از تحقیق می‌تواند توسط کارشناسان، محققان و برنامه‌ریزان دست‌اندرکار جهت صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان مورد استفاده قرار گیرد. از نظر روش گردآوری داده‌ها و قابلیت تعمیم، پژوهش حاضر از نوع توصیفی (غیر آزمایشی) و پیمایشی است زیرا به دنبال تبیین وضع موجود بوده و اساساً از طریق آنچه که اتفاق افتاده است، قصد شناسایی و زمینه‌یابی و تبیین و پیش‌بینی راهکارهای مؤثر جهت بهبود وضعیت را دارد. ضمن این که در فرآیند شناسایی بسترها و واقعیات به کنکاش در عقاید و نظرات خبرگان و اعضای جامعه می‌پردازد.

در بخش کیفی جهت شناسایی و تعیین مولفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، بر اساس دلایل شناسایی شده، از رهیافت گراند تئوری با رویکرد سیستماتیک بهره گرفته شد. بدین منظور از روش اشتراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۸)، با سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. به‌طورکلی، بنا به دو دلیل یک رویکرد کیفی جهت دستیابی به اهداف این بخش از مطالعه برگزیده شد. دلیل اول، در این مرحله بنا بر دیدگاه محققان، بررسی ژرف و عمیق مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، نیاز بود تا از تمامی جهات و با یک دید کلی‌نگری به موضوع نگریسته شود و این امر با ماهیت روش‌های کیفی همخوانی دارد. دلیل دوم، در مطالعه حاضر قصد نهایی محققان طراحی مدل صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر می‌باشد. با در نظر گرفتن این نکته که پیشینه نظری مورد نیاز برای ادامه مطالعه وجود نداشت. لذا، از نظر محققان بررسی موشکافانه به‌منظور استخراج متغیرهای مورد نیاز جهت ادامه فرآیند تحقیق، ضروری بود.

مشارکت‌کنندگان بالقوه در بخش کیفی شامل معلمان هنر مدارس مقطع متوسطه اول در شهر شیراز می‌باشند که بر اساس آخرین آمار تعداد آن‌ها ۳۶۲ مدرسه می‌باشد. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش، معلمان مقطع متوسطه دارای حداقل ۱۵ سال کار مرتبط با تدریس هنر و یا سابقه کار مدیریتی در این حوزه بود. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری، آگاهی‌دهندگان کلیدی (شامل ۱۵ نفر از معلمان مدارس مقطع متوسطه اول در شهر شیراز) برای شناسایی مؤلفه‌های

^۱ - Strauss and Corbin

صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر انتخاب شدند. در این بخش به منظور بهره‌گیری از نظرات متخصصین از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد، که در این تحقیق معلمان هنر مقاطع متوسطه اول شهر شیراز که اطلاعات مورد نیاز پژوهش را در اختیار دارند انتخاب شدند. در این راستا، کار جمع‌آوری داده‌ها با انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با معلمان هنر مدارس آغاز شد و در نهایت کار با مصاحبه با ۱۵ نفر از معلمان با رسیدن به سطح اشباع نظری اتمام یافت. در پژوهش حاضر و در بخش کیفی از روش میدانی و ابزار پرسشنامه نیمه ساختاریافته استفاده شد. به این ترتیب در طی مصاحبه و در بین سؤالات اصلی مصاحبه، محقق بسته به اقتضا سؤالاتی را مطرح کرده است.

مصاحبه‌ها با افراد مشارکت‌کننده که بر اساس حداقل ۱۵ سال سابقه کار مرتبط انتخاب شده بودند در زمان‌ها بین ۵۰ تا ۷۰ دقیقه انجام شد. در حین انجام مصاحبه‌ها مطالب ضبط شده به نوشتار تبدیل و جملات مرتبط با پژوهش بیرون کشیده شدند. به عبارت دیگر، کار بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات به موازات انجام مصاحبه‌ها پیش رفت. در این نوع مصاحبه پژوهشگر به دنبال اطلاعات خاصی است تا بتواند آن‌ها را با اطلاعاتی که از دیگر مصاحبه‌ها به دست می‌آید مقایسه و مقابله کند. در ادامه به برخی از سؤالات پرسیده شده از معلمان اشاره می‌شود؛ «به نظر شما منظور از صلاحیت حرفه‌ای چیست؟ به نظر شما عوامل مؤثر در صلاحیت حرفه‌ای معلمان شامل چه مواردی می‌تواند باشد؟ در چه زمینه‌هایی معلمان هنر نیازمند توسعه و پیشرفت در زمینه کاریشان هستند؟

جهت اعتباریابی داده‌های کیفی در طول تحلیل داده‌ها در این پژوهش از روش‌های مختلفی استفاده شده است.

موضع‌گیری پژوهشگر: با توجه به ۱۲ سال تجربه پژوهشگر در زمینه مشاوره تحصیلی و ۱۹ سال سابقه در حیطه هنر نسبت به موقعیت مورد مطالعه و پاره‌گفتارها موضع‌گیری انجام گرفت.

کاوش به وسیله مشارکت‌کنندگان: افراد شرکت‌کننده در مصاحبه، می‌توانند گزاره‌هایی را که در گزارش پژوهشگر آمده از نظر صحت و کامل بودن مورد مطالعه و بازنگری قرار دهند. لذا پس از کدگذاری و دسته‌بندی مضامین، یافته‌ها به تعدادی از مشارکت‌کنندگان برای بازنگری بازخورد داده شد.

هم‌سوسازی برای تقویت اعتبار گزارش یافته‌های پژوهش کیفی، یافته‌های پژوهش‌های انجام شده نظری ناظر بر تأیید یافته‌های تحقیق، از طریق توسل به شواهد تأییدکننده مورد توجه قرار گرفت و همگرایی آن‌ها تأیید شد. پس از اعتباریابی داده‌های بخش کیفی و هم‌سوسازی یافته‌ها با چارچوب‌های نظری و پژوهش‌های انجام شده، الگوی کشف شده مربوط به صلاحیت حرفه‌ای معلمان هنر ارائه گردید.

طبق الگوی حاصل از مرحله کیفی پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته جهت انجام تحلیل عاملی تأییدی شامل ۸ مولفه و ۸۴ گویه و با مقیاس ۵ امتیازی لیکرت تنظیم گردید.

در بخش کمی از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شده است. هدف از انجام این مرحله، اعتباریابی الگوی صلاحیت حرفه‌ای معلمان هنر بود. جامعه آماری شامل معلمان هنر مدارس مقطع متوسطه اول در شهر شیراز به تعداد ۳۶۲ نفر می‌باشند. جهت نمونه‌گیری از فرمول کوکران استفاده شد که بر این اساس تعداد ۱۸۷ نفر به‌عنوان حجم نمونه مشخص گردید. همچنین در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

روش گردآوری اطلاعات در بخش کمی شامل روش کتابخانه‌ای بود، که در این پژوهش برای مطالعه ادبیات موضوع و بررسی پیشینه و هم‌چنین فراهم کردن چارچوبی کلی مربوط به موضوع با مطالعه پایان‌نامه‌های مرتبط، کتب و سایر فصلنامه‌ها و نشریات موجود در کتابخانه‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش میدانی: در این پژوهش از روش میدانی نیز استفاده شده است که ابزار مورد استفاده پرسشنامه صلاحیت حرفه‌ای معلمان هنر بوده است. در این بخش جهت گردآوری داده‌ها از روش میدانی و ابزار پرسشنامه‌ای ساختارمند بر مبنای نتایج گرنند تئوری و تلفیق آن با بخش‌هایی از متغیرهای موجود در بررسی پیشینه نظری موضوع، استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۴ سوال عمومی و ۸۴ گویه مربوط به موضوع تحقیق می‌باشد که بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت جهت نمره‌دهی پاسخگویان طراحی شده است. در این تحقیق برای تعیین روایی پرسشنامه به دو روش روایی صوری با تأیید استاد راهنما و روایی محتوایی پرسشنامه به روش "روایی سازه" با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است که در فصل چهارم نتایج به دست آمده مشخص می‌باشد. علاوه بر تحلیل عاملی تأییدی در این تحقیق از ضرایب CVI و CVR جهت سنجش روایی استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه بین ۱۵ نفر از اساتید، مدیران و معلمان توزیع شد و از آن‌ها خواسته شد تا درباره پرسشنامه اعلام نظر نمایند. برای تعداد ۱۵ نفر حداقل ضریب CVR، ۰٫۴۹ می‌باشد. تمامی شاخص‌های پرسشنامه از نظر روایی تأیید می‌شود.

جهت بررسی پایایی متغیرها و پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی مقدماتی یا پایلوت بر روی ۳۰ نمونه انجام شد بر اساس نتایج میزان آلفای کرونباخ ۰/۷ و بالاتر بود، می‌توان گفت که آن مقیاس دارای پایایی است.

روش اجرا

پس از تصویب پروپوزال در شورای پژوهشی دانشگاه و دریافت مجوزهای لازم از آموزش و پرورش جهت انجام مطالعات میدانی، محقق به صورت مستقیم با جامعه بخش کیفی تحقیق ارتباط گرفته و پس از جلب رضایت به مصاحبه نیمه ساختاریافته در مدت‌های زمانی ۵۰ تا ۷۰ دقیقه‌ای پرداخت. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش معلمان هنر مقطع متوسطه اول دارای حداقل ۱۵ سال کار مرتبط با تدریس هنر و یا سابقه کار مدیریتی در این حوزه بود. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری، آگاهی دهندگان کلیدی (شامل ۱۵ نفر از معلمان مدارس مقطع متوسطه اول در شهر شیراز) برای شناسایی مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری مصاحبه با روش اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸)، سه نوع کدگذاری سه مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی یا گزینشی انجام شد و در نهایت با شناسایی مؤلفه‌ها مدل پارادایمی ارائه گردید. برای تأیید رونوشت‌های مصاحبه‌ها توسط اساتید و همچنین مصاحبه شوندگان استفاده می‌شود. پس از ساخت ابزار تحقیق شامل پرسشنامه با ۸۴ گویه و بررسی روایی و پایایی آن، این پرسشنامه بین ۱۸۷ نفر از معلمان هنر مقطع متوسطه اول مدارس شهر شیراز که بر اساس فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری در دسترس از بین جامعه آماری ۳۶۲ نفری انتخاب شده بودند توزیع و نتایج با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS 26 و Smart PLS تجزیه و تحلیل شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی: در سطح یافته‌های توصیفی به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای اصلی با استفاده از شاخص‌های آماری فراوانی و درصد فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و نمودار ستونی پرداخته شد. نرمال بودن متغیرها با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. در سطح یافته‌های استنباطی

و جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون تی تک نمونه‌ای، آزمون تحلیل عاملی تاییدی و اکتشافی و آزمون مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

ملاحظات اخلاقی

کلید پرسشنامه‌ها بدون نام و نام خانوادگی تکمیل گردید. کلید اطلاعات جمع آوری شده محرمانه تلقی گردیده و از آنها بصورت کلی و فقط جهت انجام پژوهش استفاده گردیده است.

یافته‌ها

مطالعه حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر، پایه‌ریزی شده است. در همین راستا تلفیقی از روش‌های تحقیق کمی و کیفی به کار گرفته شده است تا در نهایت اهداف و سؤالات پژوهش حاصل گردند. با توجه به اینکه هدف مطالعه بررسی مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر از دیدگاه معلمان مدارس شهر شیراز بود، از روش گراندد تئوری، بهره گرفته شد. این بخش از مطالعه به صورت کیفی و با بهره‌گیری از اصول و تحلیل‌های مربوط به آن پایه‌ریزی شده است. در بخش دوم، پس از استخراج چارچوب‌های مفهومی مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و تلفیق متغیرهای استخراج شده از این مدل‌ها با سایر متغیرهای تحقیق، فرضیات و سوالات مطرح شده در پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. این بخش از مطالعه به صورت مدل‌سازی بر مبنای معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم افزار 3 SMART PLS انجام گرفت. در نهایت، مدل جامع صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر، تدوین و ارائه شد. پس از اتمام قسمت کیفی مطالعه، پرسشنامه‌ای ساختارمند بر مبنای نتایج گراندد تئوری و تلفیق آن با بخش‌هایی از متغیرهای موجود در بررسی پیشینه نظری موضوع، تدوین شد. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی تاییدی و برآورد شاخص‌های مربوط به آن روایی و پایایی پرسشنامه‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

در بخش کیفی، به منظور پوشش دادن به ابعاد مختلف مسأله تحقیق و شناسایی کلیه متغیرها به منظور طراحی نهایی مدل، به بررسی متغیرهای اصلی پرداخته می‌شود. بدین منظور از گراندد تئوری استفاده شد. در بخش کیفی پژوهش حاضر، پس از انجام مصاحبه‌های عمیق با خبرگان، اطلاعات گردآوری شده طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری انتخابی تحلیل شده و در نهایت نتایج حاصل از پژوهش کیفی ضمن ترکیب با نتایج حاصل از ادبیات پژوهش، در قالب بخش الگوی پارادایمی پژوهش جمع‌بندی گردید.

مصاحبه شونده‌گان مطابق با چارچوب پرسش‌های باز مصاحبه عمیق پژوهش، پاسخی را ارائه دادند که در هر جلسه با توجه به تخصص و تجربه فرد پاسخگو، چالش‌های ایجاد شده توسط محقق در هر مصاحبه و نیز دانش محقق این پاسخ‌ها دسته بندی شده‌اند. بدین شکل که پاسخ‌های ارائه شده براساس نوع و محتوایشان در یکی از مقوله‌های پژوهش، دسته بندی شده و به عنوان ملاک ارزشیابی آن مقوله تعریف و تعیین شدند و در نهایت با توجه به محتوای پاسخ‌های ارائه شده، هر یک از مفاهیم زیرمجموعه در مقوله مرتبط با خود قرار گرفتند.

کدگذاری باز: در مرحله کدگذاری باز، کلیه مصاحبه‌های انجام شده، به تفکیک پیاده‌سازی شده و تمامی جملات مرتبط با موضوعات اساسی پژوهش، به طور کامل ثبت و کدگذاری شده است. سپس محقق به تفسیر هر یک از این نکات کلیدی و

کدگذاری این نکات پرداخته است در نهایت کد نهایی برای هر یک از نکات کلیدی انتخاب شده و این کدها شماره گذاری شده‌اند. در ادامه برخی پاره گفتارها و استخراج کدهای باز از آن‌ها به تفکیک ارائه شده است.

استقبال از نظرهای متفاوت:

هنر از نظر من، درک و پذیرش تمامی دیدگاه‌ها و بارش‌های فکری هست که در جریان کلاس درس زیاد با آن مواجهه می‌شویم. متکلم وحده بودن در کلاس درس و سخنرانی به هیچ عنوان جوابگوی درس هنر و زنگ هنر نیست. حتی گاهی اوقات، من معلم سعی می‌کنم بیننده باشم و شنونده تا بتونم ابعاد متفاوتی از هنر رو بوسیله‌ی دانش‌آموزانم درک کنم و شاید این یکی از شانس‌های بزرگ حرفه‌ای منه که مدام می‌تونم معلوماتم و افکارم رو به روز کنم یعنی در واقع هر روزم رو با به چالش هنری سپری کنم و اگر این نباشه من واقعاً خسته می‌شم.

تبحر در کارهای اجرایی:

میشه گفت ما در هنر چیزی به اسم تئوری نداریم، ما کلاً با عمل مواجهیم. هنر بدون نمایش و اجرا کلاً بی‌معناست و فرصتی میشه برای منتقدان هنر. حتی یک نویسنده که ساعتها در تنهایی خودش داره می‌نویسه، در پایان، کار اجرایی اون نوشته‌ای هست که ما رو تحت تاثیر قرار می‌ده. یادم هست که اوایل خدمتم در یک مدرسه روستایی، وقتی در رابطه با هنرهای تجسمی صحبت می‌کردم، یکی از دانش‌آموزانم گفت: آقا شما چند تا از این هنرها رو دارید؟ و موارد مشابهی رو من بارها تجربه کردم. همون سالها بود که بی‌بردم باید به این کتاب (کتاب فرهنگ و هنر) فقط عملی نگاه کنم وگرنه در کوتاه مدت، قطعاً حرفی برای گفتن ندارم.

خسته کننده نبودن کلاس:

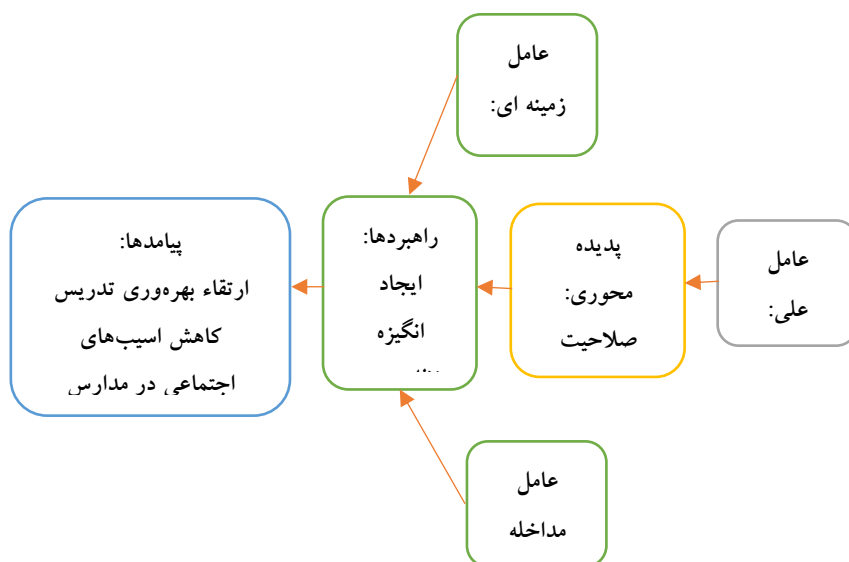
یکی از مشکلاتی که الان دامن گیر آموزش ایران، اینه که کلاسهای درس جذابیتی برای دانش‌آموزان ندارند و دانش‌آموز رو کلاً از مدرسه فراری می‌دن. زنگ هنر اصلاً خسته کننده نیست، یعنی خاطر من نیست که تو این سالها کسی گله‌ای یا شکایتی تو این زمینه داشته باشه، اما اگر زنگ هنر رو معطوف به چند هنر محدود و کلیشه‌ای مثل نقاشی و طراحی و خطاطی کنیم قطعاً به مرور صدای خیلی از بچه‌ها در میاد. من فکر می‌کنم چاره این کار اینه که معلم در کنار شناخت همه‌ی رشته‌های هنری، پتانسیل‌های موجود در کلاس درس رو بشناسه و اونا رو به کار وادار کنه تا این طوری کلاس دچار کسلی و خمودگی نشه.

کدگذاری محوری: در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۹۷ کد باز بدست آمدند و در مرحله بعدو در واقع کدگذاری محوری (سطح دوم کدگذاری) نامی است که به عملیات ثانوی در گراند تئوری نامیده می‌شود که در آن مقولات اصلی کدگذاری باز داده‌ها تکوین یافته‌اند و با یکدیگر مرتبط شده‌اند. در این مرحله کلیه کدهای باز مستخرج از مرحله اول، براساس ارتباط با مفاهیم اصلی پژوهش در قالب محورهای اصلی جمع بندی شده‌اند. خروجی این مرحله، کدهای محوری، کدهای متناظر با آنها و تعداد تکرار آنها می‌باشد. در جداول مربوطه در هر ردیف یک مفهوم درج شده است که در واقع ترکیبی از چند کد است. در ستون بعدی کدهای متناظر با آن مفهوم و میزان تکرار آن‌ها در مصاحبه‌های مختلف ذکر شده است. براین اساس و با توجه به کدگذاری محوری صورت گرفته بر روی مطالعه کیفی پژوهش، تعداد ۱۸ مفهوم مجزا شناسایی گردید.

کدگذاری انتخابی: سومین عملیات در تحلیل GT، کدگذاری انتخابی است. اصطلاح «انتخابی» به این علت برای این مرحله بکار می‌رود که تحلیلگر به وضوح یک جنبه مرکزی از داده‌ها را به عنوان «مقوله هسته ای^۱» انتخاب می‌کند و روی آن متمرکز

¹ Core category

می‌شود. بنابراین در کدگذاری انتخابی، همان تکنیک‌هایی را که در کدگذاری محوری و باز به کار می‌بریم، استفاده می‌کنیم (اما در سطح بالاتری از انتزاع). این تمرکز حالا روی یافتن یک مفهوم بالاتر است، یک مقوله مفهومی مرکزی که در سطح دوم انتزاع قرار دارد. با توجه به توضیحات فوق در این مرحله کدهای محوری مرحله قبل گروه بندی شد و جدول نهایی متغیرها و شاخص‌های مرتبط به هریک از آنها تهیه گردید. در جدول مربوط به کدگذاری انتخابی، مفاهیم متناظر با هر مقوله ذکر شده‌اند. براین اساس، ۱۸ مفهوم شناسایی شده در قالب ۸ مقوله دسته‌بندی گردید. تاکنون دو مرحله برای دستیابی به الگوی پارادایمی تحقیق انجام گرفته است. ابتدا و در مرحله اول محقق با بررسی گسترده ادبیات تحقیق، متغیرهای مرتبط با موضوع تحقیق زمینه لازم جهت تعیین ساختار مصاحبه‌ها و شناسایی افراد متخصص فراهم نمود. سپس در مرحله دوم، محقق به مطالعه کیفی پرداخته و براساس مصاحبه‌های عمیق انجام شده مدل پارادایمی تدوین خواهد شد.



شکل ۱: مدل پارادایمی تحقیق

در بخش کمی، نتایج آماری در دو سطح یافته‌های توصیفی و استنباطی آمده است. در سطح توصیفی به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و اصلی با استفاده از فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار پرداخته شد و در سطح استنباطی، روایی و پایایی پرسشنامه با تحلیل عاملی تاییدی بررسی شد، روابط بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با استفاده از تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مجزورات جزئی (PLS) ارزیابی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزارهای SPSS نسخه 26 و Smart PLS نسخه ۳ انجام شد. حداکثر سطح خطای آلفا برای آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ در نظر گرفته شد ($p < 0/05$).

نتایج حاصل از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان نشان داد بیشتر پاسخگویان معادل ۵۷/۲ درصد مرد بودند و ۴۲/۸ درصد زن. از نظر تاهل ۷۸/۱ درصد متاهل و ۲۱/۹ درصد مجرد بودند. از نظر تحصیلات، مقطع لیسانس با ۳۹/۶ درصد و فوق لیسانس با ۳۶/۴ درصد دارای بیشترین تعداد بود. نتایج نشان داد میانگین سن پاسخگویان که یک متغیر کمی است برابر با ۳۹/۶۷ سال با انحراف استاندارد ۸/۸۵ بود. کمترین سن ۲۷ سال و بیشترین سن پاسخگویان ۶۲ سال بود. در جدول ۱ به توصیف متغیرهای اصلی پرداخته شد از آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد به منظور مقایسه میانگین‌ها استفاده شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
سازماندهی محیط یادگیری	۳/۶۵	۰/۹۵
شایسته محوری	۳/۵۲	۰/۹۹
تخصص مدیریتی	۳/۵۹	۰/۹۲
صلاحیت‌های مفهومی و تفکر	۳/۴۳	۰/۸۸
صلاحیت‌های ارزشیابی	۳/۳۳	۰/۹۰
صلاحیت‌های آموزشی	۳/۴۴	۰/۸۰
دانش تخصصی	۳/۴۲	۰/۷۷
صلاحیت‌های ارتباطی	۳/۴۹	۰/۹۲
صلاحیت‌های اجتماعی	۳/۷۰	۰/۹۷
صلاحیت‌های رفتاری	۳/۵۷	۰/۸۰
روابط انسانی	۳/۵۸	۰/۸۰
همدلی	۳/۴۳	۰/۸۹
رفتار عاقلانه	۳/۵۸	۰/۹۹
ویژگی عاطفی	۳/۶۹	۰/۹۷
ارتباط موثر	۳/۶۰	۰/۸۵
انتقال احساس ارزشمندی	۳/۴۷	۰/۹۲
مشوق بودن	۳/۹۰	۱/۱۹
ایجاد انگیزه	۳/۶۴	۰/۹۲
فضای جذاب یادگیری	۳/۸۱	۱/۰۴
مهارت هنری	۳/۴۸	۰/۹۸
نظارت بر یادگیری	۳/۶۵	۰/۹۴
اثربخشی تدریس	۳/۷۷	۱/۰۹
کارایی تدریس	۳/۵۸	۰/۹۲
ارتقاء بهره‌وری تدریس	۳/۶۸	۰/۹۴
کاهش آسیب‌های اجتماعی	۳/۲۲	۰/۹۶

بررسی میانگین‌ها (جدول ۱) نشان داد میانگین کل تخصص مدیریتی برابر با ۳/۵۹ با انحراف معیار ۰/۹۲ بود. میانگین کل دانش تخصصی برابر با ۳/۴۲ با انحراف معیار ۰/۷۷، میانگین کل روابط انسانی برابر با ۳/۵۸ با انحراف معیار ۰/۸۰، میانگین کل ارتباط موثر برابر با ۳/۶۰ با انحراف معیار ۰/۸۵، میانگین کل ایجاد انگیزه برابر با ۲/۶۴ با انحراف معیار ۰/۹۲، میانگین کل نظارت بر یادگیری برابر با ۳/۶۵ با انحراف معیار ۰/۹۴، میانگین کل ارتقاء بهره‌وری تدریس برابر با ۳/۶۸ با انحراف معیار ۰/۹۴ و میانگین کل کاهش آسیب‌های اجتماعی برابر با ۳/۲۲ با انحراف معیار ۰/۹۶ بود.

از شاخص‌های کجی و کشیدگی جهت تعیین وضعیت توزیع داده‌ها (نرمال بودن) استفاده شد. بررسی مقادیر کجی و کشیدگی نشان داد با توجه به این که مقادیر کجی و همچنین مقادیر کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه +۲ تا -۲ بدست آمد که می‌توان نتیجه گرفت که تمامی متغیرها از توزیع نرمال یا نزدیک به نرمال برخوردارند و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک مانند همبستگی پیرسون و T تک نمونه‌ای استفاده کرد. با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تاییدی، آزمون همبستگی پیرسون، T تک نمونه‌ای و آزمون مدل یابی معادلات ساختاری به بررسی روایی و پایایی پرسشنامه، آزمون روابط بین متغیرها و آزمون مدل پرداخته شد.

از نرم افزار Smart PLS به منظور بررسی روایی پرسشنامه با استفاده از شاخص‌های بار عاملی و روایی همگرا استفاده شد و پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون‌های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ارزیابی شد. در این پژوهش حداقل مقدار بار عاملی برای تایید روایی سوالات، مقدار حداقل ۰/۴۰ در نظر گرفته شد. برای ارزیابی پایایی پرسشنامه‌ها از دو روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که پایایی زمانی مورد تایید قرار می‌گیرد. که مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بیشتر از ۰/۷۰ باشد. جهت بررسی روایی همگرا از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد. مقدار مطلوب این شاخص مقادیر بزرگتر از ۰/۵۰ است که روایی همگرای را تایید می‌کند. با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون به بررسی همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش و همچنین بررسی روایی واگرا به روش فورنل و لارکر پرداخته شد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و بررسی روایی واگرا به روش فورنل و لارکر

متغیرها	تخصص مدیریتی	دانش تخصصی	ارتباط موثر	روابط انسانی	ایجاد انگیزه	نظارت بر یادگیری	ارتقاء بهره‌وری تدریس	کاهش آسیب‌های اجتماعی
تخصص مدیریتی	۰/۸۱							
دانش تخصصی	۰/۵۷**	۰/۸۱						
ارتباط موثر	۰/۴۴**	۰/۶۳**	۰/۸۲					
روابط انسانی	۰/۵۸**	۰/۵۹**	۰/۵۵**	۰/۸۳				
ایجاد انگیزه	۰/۶۲**	۰/۴۱**	۰/۵۲**	۰/۶۰**	۰/۸۵			
نظارت بر یادگیری	۰/۵۷**	۰/۳۱**	۰/۴۷**	۰/۲۹**	۰/۳۵**	۰/۸۰		

	۰/۸۴	۰/۵۴**	۰/۵۶**	۰/۳۷**	۰/۴۹**	۰/۵۵**	۰/۴۶**	ارتقاء بهره‌وری تدریس
۰/۷۹	۰/۳۹**	۰/۲۴**	۰/۴۷**	۰/۳۳**	۰/۳۲**	۰/۳۵**	۰/۳۹**	کاهش آسیب‌های اجتماعی

توجه: $** = p \leq 0/01$

نتایج جدول ۲ نشان داد، در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد رابطه معنی داری بین تمامی متغیرهای اصلی پژوهش مشاهده شد و جهت تمامی روابط نیز مثبت بود ($p < 0/05$). جهت بررسی روایی و اگر از روش فورنل و لارکر استفاده شد که از نتایج قابل استنتاج است. قطر اصلی مربوط به جذر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) است و سایر اعداد جدول مربوط به همبستگی بین متغیرها است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی مقادیر جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر، بزرگتر از همبستگی آن متغیر با متغیرهای اصلی دیگر است و نشان دهنده تایید روایی و اگر است.

جهت مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش مقداری استاندارد یا مفروض از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد و نتایج در جدول ۳ آمده است. آزمون t تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه داشته باشیم و می‌خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول یا استاندارد و یا حتی با یک عدد فرضی و مورد انتظار مورد مقایسه کنیم.

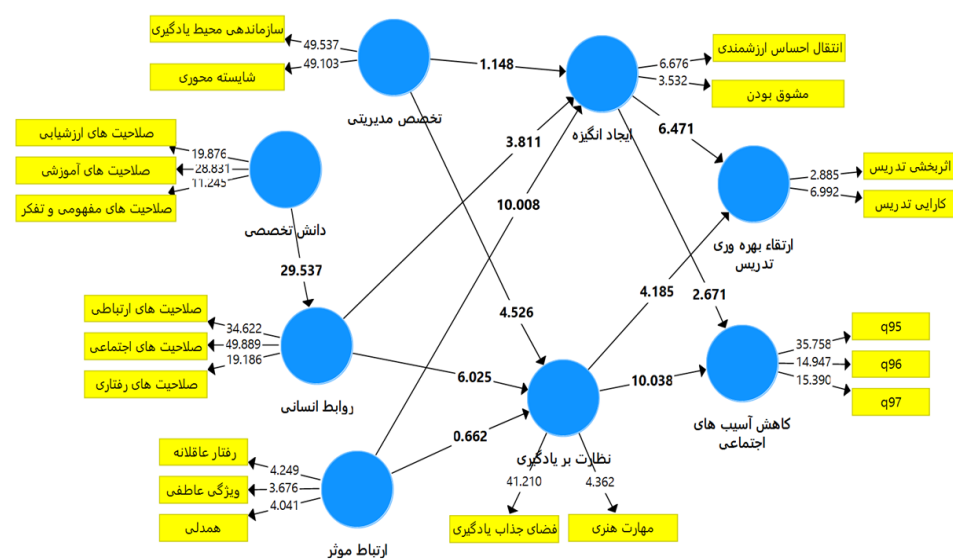
جدول ۳. آزمون تی تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین بین متغیرها با مقدار متوسط (معیار = ۳/۵)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	Df	مقدار t	مقدار p	نتیجه
سازماندهی محیط یادگیری	۳/۶۵	۰/۱۵	۱۸۶	۲/۱۲	۰/۰۳۶	زیاد
شایسته محوری	۳/۵۲	۰/۰۲	۱۸۶	۰/۲۲۱	۰/۸۲۵	متوسط
تخصص مدیریتی	۳/۵۹	۰/۰۹	۱۸۶	۱/۴۰	۰/۱۶۴	متوسط
صلاحیت‌های مفهومی و تفکر	۳/۴۳	-۰/۰۶	۱۸۶	-۰/۹۹۶	۰/۳۲۱	متوسط
صلاحیت‌های ارزشیابی	۳/۳۳	-۰/۱۷	۱۸۶	-۲/۶۳	۰/۰۰۹	متوسط
صلاحیت‌های آموزشی	۳/۴۴	-۰/۰۵	۱۸۶	-۰/۹۳۵	۰/۳۵۱	متوسط
دانش تخصصی	۳/۴۲	-۰/۰۸	۱۸۶	-۱/۴۵	۰/۱۴۸	متوسط
همدلی	۳/۴۹	-۰/۰۷	۱۸۶	-۱/۰۶	۰/۲۸۹	متوسط
رفتار عاقلانه	۳/۷۰	۰/۰۸	۱۸۶	۱/۱۵	۰/۲۵۲	زیاد
ویژگی عاطفی	۳/۵۷	۰/۱۹	۱۸۶	۱/۶۰	۰/۱۱۱	متوسط
ارتباط موثر	۳/۵۸	۰/۱۰	۱۸۶	۱/۶۱	۰/۱۰۹	متوسط
صلاحیت‌های ارتباطی	۳/۴۳	-۰/۰۱	۱۸۶	-۰/۱۱۰	۰/۹۱۲	متوسط
صلاحیت‌های اجتماعی	۳/۵۸	۰/۲۰	۱۸۶	۱/۶۵	۰/۱۰۴	متوسط
صلاحیت‌های رفتاری	۳/۶۹	۰/۰۷	۱۸۶	۱/۱۹	۰/۲۳۵	متوسط
روابط انسانی	۳/۶۰	۰/۰۸	۱۸۶	۱/۳۵	۰/۱۷۷	متوسط
انتقال احساس ارزشمندی	۳/۴۷	-۰/۰۳	۱۸۶	-۰/۳۹۰	۰/۶۹۷	متوسط
مشوق بودن	۳/۹۰	۰/۴۰	۱۸۶	۴/۵۹	< ۰/۰۰۱	زیاد

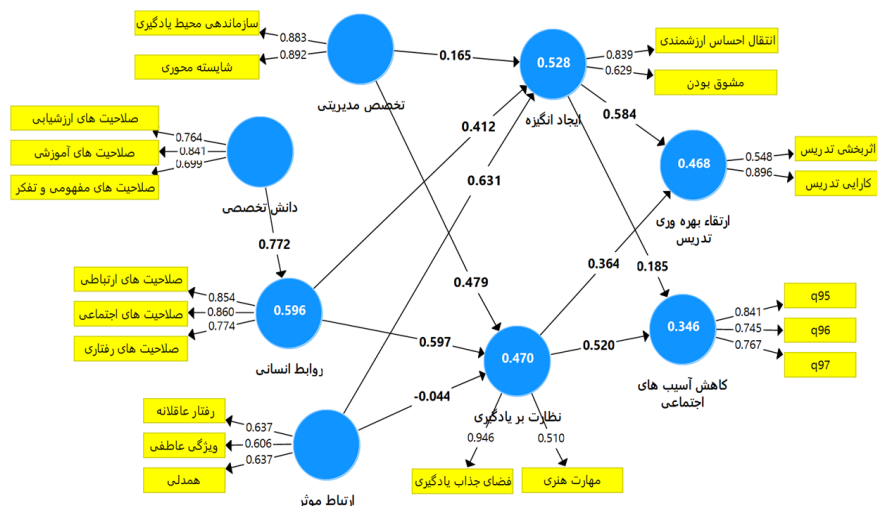
ایجاد انگیزه	۳/۶۴	۰/۱۴	۱۸۶	۲/۱۴	۰/۰۳۴	زیاد
فضای جذاب یادگیری	۳/۸۱	۰/۳۱	۱۸۶	۴/۰۸	< ۰/۰۰۱	زیاد
مهارت هنری	۳/۴۸	-۰/۰۲	۱۸۶	-۰/۲۲۳	۰/۸۲۳	متوسط
نظارت بر یادگیری	۳/۶۵	۰/۱۵	۱۸۶	۲/۱۴	۰/۰۳۴	زیاد
اثربخشی تدریس	۳/۷۷	۰/۲۷	۱۸۶	۳/۴۵	۰/۰۰۱	زیاد
کارایی تدریس	۳/۵۸	۰/۰۸	۱۸۶	۱/۲۰	۰/۲۳۳	متوسط
ارتقاء بهره‌وری تدریس	۳/۶۸	۰/۱۸	۱۸۶	۲/۶۰	۰/۰۱۰	زیاد
کاهش آسیب‌های اجتماعی	۳/۲۲	-۰/۲۸	۱۸۶	-۳/۹۹	< ۰/۰۰۱	متوسط

در این آزمون میانگین نمونه با مقدار ۳/۵ مقایسه شد. چنانچه مقدار هر کدام از متغیرها به طور معنی‌داری بیشتر از مقدار ۳/۵ باشد ($p < ۰/۰۵$) می‌توان استنباط کرد که میزان آن عامل به طور معنی‌داری بالا و زیاد است. دامنه نمرات از ۱ تا ۵ است که متوسط نمرات برابر با ۳ است و در نتیجه نمره ۳/۵ به معنای متوسط تا زیاد است که در نتیجه نمره بالاتر از ۳/۵ به معنای زیاد بودن میانگین آن متغیر است. نتایج نشان داد که از نظر آماری هیچ کدام از متغیرها مقدار ضعیف و کمتر از ۳ ندارند و تمامی میانگین‌ها بالاتر از مقدار متوسط ۳ بود. از نظر آماری میانگین متغیرهای سازماندهی محیط یادگیری، رفتار عاقلانه، مشوق بودن، ایجاد انگیزه، فضای جذاب یادگیری، نظارت بر یادگیری، اثربخشی تدریس و ارتقاء بهره‌وری تدریس مقادیری بیشتر از متوسط بود و به طور معنی‌داری میانگین این متغیرها بالاتر از ۳/۵ بود ($p < ۰/۰۵$).

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS) آزمون شد. نرم افزار مورد استفاده Smart PLS است. با توجه به این که مدل مفهومی پژوهش اکتشافی است و هدف پژوهش ارائه و طراحی مدل است، از رویکرد حداقل مجذورات جزئی به منظور آزمون مدل مفهومی استفاده شد. شکل ۲ مدل تجربی در حالت مقدار t و شکل ۳ مدل تجربی در حالت مقادیر استاندارد است.



شکل ۲. مدل پژوهش در حالت مقدار t (معنی‌داری روابط)



شکل ۳. مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد

شکل ۲ مدل تجربی در حالت مقدار t است که مطابق نتایج ۹ رابطه از مجموع ۱۱ رابطه در مدل تایید شده است ($p < 0.05$). شکل ۳ مدل را در حالت ضرایب استاندارد نشان می دهد. ضرایب استاندارد معیاری برای مقایسه شدت تاثیر متغیرها بر یکدیگر هستند. دامنه ضریب استاندارد از ۰ تا ۱ است و ضرایب تاثیر بزرگتر به معنای تاثیر بیشتر متغیرها بر یکدیگر است. بررسی ضرایب استاندارد نشان داد قوی ترین تاثیر در مدل مربوط به دانش تخصصی بر روابط انسانی با مقدار 0.772 و تاثیر ارتباط موثر بر ایجاد انگیزه با ضریب 0.631 بود.

بحث و نتیجه گیری

با توجه مسئله موجود در تعیین صلاحیت حرفه ای معلمان هنر و اهمیت آن، در این پژوهش به تبیین مؤلفه های صلاحیت های حرفه ای معلمان هنر پرداخته شده است.

بررسی و کاوش برنامه های درسی مدارس از دیدگاه کنشگران و فعالان آموزشی و تربیتی به ویژه معلمان و دبیرانی که خود مجریان آن ها بوده و با زوایای پیدا و پنهان آموزش و اجرای برنامه مرتبط و درگیر هستند، همواره می تواند داده ها و اطلاعات متنوع و مفیدی را در زمینه واقعیات اجرایی و میزان اثربخشی واقعی برنامه ها فراهم کرده و زمینه های لازم را برای اصلاحات کیفی و ضروری ایجاد کند. تربیت هنری از جمله حوزه های برنامه درسی است که بنا به مستندات گوناگون نقش فراوانی در رشد و شکوفایی قابلیت ها و ظرفیت های وجودی دانش آموزان دارد. بالطبع، تحقیق پیرامون این حوزه مهم و بررسی جنبه های گوناگون آن از منظر و دیدگاه مجریان نظام آموزشی یعنی معلمان می تواند زمینه های لازم را برای درک بهتر وضعیت موجود فراهم کرده و ایجاد تغییراتی معنادار را در این عرصه باعث گردد. پژوهش حاضر با درک اهمیت این نکته تلاش کرده تا وضعیت هنر و تربیت هنری را بر مبنای روایت ها و تجارب معلمان دوره متوسطه اول مورد واریسی عمیق و کیفی و کمی قرار دهد.

دهد.

در راستای سؤال اصلی پژوهش، یعنی بررسی مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان هنر، با طی فرآیند مصاحبه و کدگذاری سه مرحله‌ای در بخش کمی مؤلفه‌های صلاحیت حرفه‌ای معلمان هنر در قالب یک مدل پارادایمی ارائه شد که مقوله‌های صلاحیت حرفه‌ای معلمان هنر در برگیرنده؛ دانش تخصصی، تخصص مدیریتی، روابط انسانی، ایجاد انگیزه، نظارت بر یادگیری، ارتباط مؤثر، ارتقاء بهره‌وری تدریس و کاهش آسیب‌های اجتماعی در مدارس بود.

آگاهی و دانش تخصصی: آگاهی و دانش تخصصی معلم هنر، اولین گام در اعتمادسازی دانش‌آموزان نسبت به معلم است. قطعاً گستردگی و ژرفای هنر راه را برای متخصص بودن تام معلم هنر می‌بندد اما از نگاه دانش‌آموزان، معلم باید بتواند تا حدودی دستی بر هنرهایی که تدریس می‌کند داشته باشد. که لازمه‌ی این امر تمرین، بروز رسانی و بازآموزی‌های مکرر معلم است. بی‌شک وقتی صحبت از دانش تخصصی معلم هنر به میان می‌آید، شناخت شاخه‌های مختلف هنر، ابزار و مواد لازم برای ارائه هر کدام، بازار کار، تئوری و تاریخچه بوجود آمدن هر یک از هنرها نیز بخشی از این دانش تخصصی می‌باشند. شاید یکی از معضلاتی که امروزه هنر از آن رنج می‌برد، تدریس این درس توسط افراد غیر متخصص در این زمینه است. ممکن است دروسی مثل شیمی، ریاضی، فلسفه، زبان و ... را بتوان با تمرین زیاد و حتی عدم علاقه و نگرش مثبت نسبت به این دروس و صرفاً به دلیل اجبار در انجام وظیفه محول شده توسط آموزش و پرورش، تدریس کرد اما در هنر اینگونه نیست و یک معلم هنر باید نگاه ویژه و دانش مورد نیاز و کافی برای تدریس را قبل از ورود به عرصه‌ی تعلیم و تربیت در خود داشته باشد و سپس با مهارت و توانمندی آموزش را شروع کند. در بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه هنر، انتقاد وارده مبنی بر نارسایی کتاب درسی هنر است. معلمان آموزش دیده در عرصه هنر و متخصص در این حیطه می‌توانند با توجه و اشاره مکرر این کتاب به تدریس تجویزی و نیمه‌تجویزی توسط معلمان، این نارسایی را جبران کند. پژوهش‌های سوانزی- ایمپرایم، ای. موریس، دبلیو لومیس و جونز¹ (۲۰۲۲)، با تأکید بر اهمیت تخصص‌گرایی و لزوم داشتن دانش تخصصی معلمان هنر تأیید کننده این مقوله در مدل مفهومی پژوهش حاضر می‌باشند.

ارتباط مؤثر: با نگاهی به مدارس و توجه بیشتر به روش عمل آن‌ها خواهیم دید که با وجود تفاوت‌های اندک در ساختار و شکل مدارس، سطح درسی و نتایج دانش‌آموزان آن‌ها دارای تفاوت چشمگیری می‌باشد. سپس با اندک تأمل می‌توان فهمید که عامل دیگری وجود دارد که موجب می‌شود سطح درسی، حال و هوای مدرسه و روابط بین فردی در این مراکز آموزشی متفاوت شود. یکی از این عوامل مهم و تاثیر گذار نحوه ارتباط معلم با دانش‌آموزان است به عبارت دیگر، دل سپردن دانش آموز به شخصیت معلم هنر به معنای دلبستگی و عشق او به درس هنر نیز هست. این اتفاق پیام دیگری نیز دارد؛ دانش آموز از معلم محبوب خویش بهتر می‌آموزد تا از معلم غیر محبوب. ارتباط صمیمانه معلم هنر با دانش‌آموزان و ندیدن این درس از زاویه ارزشیابی سختگیرانه و نمره دهی، مقدمه‌ای است برای شیرین و دلچسب کردن درس هنر، بویژه کار عمل و حضور در کارگاه‌های هنر، این تعامل دل‌نشین را قوت می‌بخشد.

جنبه دیگر لزوم ارتباط مؤثر در کلاس درس هنر، یادگیری متقابل و تعاملی معلم و دانش‌آموز است. چرا که هنر برآمده از روح و روان انسان است پس هیچگاه نمی‌توان انتهایی برای درس هنر و نقطه‌ی اتمامی برای یک هنر خاص در نظر گرفت.

¹ - Swanzy-Impraim, Morris, Lummis, & Jones

پس آن زمان که معلم یا دانش آموز آنچه در ذهن خود دارند را به تصویر می‌کشند گام بعدی اتصال این دانش مشترک و خلق مفاهیم و هنر جدید توسط معلم و دانش آموز با گره خوردن فکر و ذوق آنها به همدیگر است و این امر جز با ارتباط مؤثر و صحیح معلم با دانش‌آموزان در کلاس درس مسیر نمی‌شود. که در این زمینه، پژوهش گانگ، مهدیونس و هاشم (۲۰۱۵) تأیید کننده مقوله لزوم ارتباط مؤثر معلم و شاگرد در کلاس درس هستند.

تخصص مدیریتی: مدیریت کلاس درس، یکی از فاکتورهای بهداشت روانی کلاس درس است. این مساله خصوصاً در زنگ هنر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. چرا که معلمان آگاه و توانمند هنر بعد از استعدادیابی هنری در کلاس درس خود، سعی در دادن تکالیف متفاوت و مخصوص به هر دانش آموز می‌کنند، این کار ساده‌ی نیست چرا که در این کلاس معلم باید بتواند طی ۹۰ دقیقه تدریس خود، هنرهای مختلفی را به دانش‌آموزان بصورت انفرادی آموزش داده و بر عملکرد آنها نظارت کنند که این کار دشوار جز با درایت و مدیریت معلم هنر و آموزشهای خاص در این زمینه امکان پذیر نمی‌باشد. در کنار این مسائل، یکی از معضلاتی که معلمان در زنگ هنر با آن مواجهه هستند عدم جدی گرفتن این درس توسط برخی دانش‌آموزان است. که این خود باعث بروز بی‌نظمی و آشفتگی در کلاس درس است. کنترل و هدایت این دسته از دانش‌آموزان نیز از مواردی است که معلمان توانمند هنر، داشتن ششم مدیریت خاص خود می‌توانند از عهده آن برآیند. تخصص مدیریتی، یکی از مقوله‌های پژوهش حاضر می‌باشد که با تحقیقات انجام شده توسط سوانزی- ایمپریم، ای. موریس، دبلیو لومیس و جونز^۱ (۲۰۲۲)، مطابقت می‌کنند.

روابط انسانی: در طول تاریخ، انسان همواره مجبور به برقراری ارتباط با دیگران بوده است. هرگاه دو انسان در جایی می‌زیسته‌اند بین آنها روابط انسانی نیز وجود داشته است. یعنی قدمت رفتار و روابط بین انسان‌ها به کهنگی سابقه‌ی حیات انسان هاست. هنر از دیر باز در خدمت بشر بوده است، بدین صورت که یکی از قابلیت‌های مهم هنر برقراری احساس و ارتباط میان انسان هاست. در کلاس درس هنر، معلم باید توانمند در برقراری ارتباط انسانی مؤثر بین دانش آموز و معلم و حتی دانش آموز و هنرش باشد. هنر خود یک فعالیت انسانی است که در آن افراد با فهم و آگاهی و با یاری نشانه‌های مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده‌اند به دیگران انتقال می‌دهند، به طوری که این احساسات به ایشان سرایت کند و آنها نیز آن احساس را تجربه نمایند. پس معلمان توانمند هنر باید درک عمیق و درستی راجع به کارکردهای هنر در روابط بین انسان‌ها داشته و این روابط در کلاس درس آنها هویدا باشد. که پژوهش، گانگ، مهدیونس و هاشم (۲۰۱۵) تأیید کننده این مقوله پژوهش می‌باشند.

ایجاد انگیزه: معلم با تجربه و کاردان هنر، خود می‌تواند یکی از عوامل مهم ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان شود، معلم می‌تواند با اعتماد به نفس زیاد خود و ایمان به کار و فعالیت کافی به عنوان بهترین عامل ایجاد انگیزه باشد. همین طراحی قدم به قدم با دانش‌آموزان باعث اعتماد به نفس بیشتر در آنها می‌شود. شاید یک بخش از ایجاد انگیزه در معلمان هنر به بحث راجع به چرایی هنر و کارکردهای مهم آن برگردد اما در هنر، ما بیش از تئوری به عمل نیازمندیم بهترین انگیزه‌ای که معلم به دانش آموز در زنگ هنر می‌دهد، تشویق مداوم و گام به گام و هدایت او در به سرانجام رسیدن یک هنر است. دانش آموز در ابتدا با دیدن

¹ - Swanzy-Impraim, Morris, Lummis, & Jones

یک اثر هنری، در کنار شور و شغف ناشی از تاثیرگذاری آن هنر، ترسی از عدم موفقیت و شکست را تجربه می‌کند. در اینجا معلم با در نظر گرفتن اهداف بصورت کوتاه و کوچک و نظارت مداوم بر عملکرد دانش آموز می‌تواند نگرانی او را تبدیل به شیرین‌ترین تجربه موفقیت و تاثیر گذار در ادامه زندگی نماید. در خصوص مقوله ایجاد انگیزه و نظارت بر یادگیری توسط معلمان هنر، یافته‌های این پژوهش با تحقیقات انجام شده توسط سوانزی- ایمپرایم، ای. موریس، دبلیو لومیس و جونز^۱ (۲۰۲۲)، مطابقت دارند.

کاهش آسیب‌های اجتماعی: هرگاه به جد به این باور رسیدیم که با پیش بینی و به پیرو آن با پیشگیری می‌توان از وقوع بحران جلوگیری کرد یا حجم آن را کاهش داد، می‌توانیم ادعا کنیم که توانسته‌ایم کنترل اوضاع را در دست بگیریم. هنر نیرومندترین مجرای راهنمایی و هدایت انسان است که با ذات خود روح و روان را تزکیه کرده و جسم و بدن را بالنده، انسان را به زیبایی‌های عالم هستی پیوند می‌دهد تا به سوی قله‌های زیبای معنویت و کمال روحش رهنمون کند. هنر گاهی بصورت اثری لطیف و گاهی تصویری خشن از درون فرد به بیرون سرایت می‌کند، معلم هنر با داشتن آگاهی از این قابلیت مهم و جالب هنر می‌تواند آن را در خدمت تربیت دانش‌آموزان بکارگیرد و علاوه بر افزایش بهره‌وری تدریس خود به دانش‌آموزان کمک کند تا از دریچه‌ی هنر خود را بهتر و عمیق‌تر بشناسند و درصدد رفع مشکلات و ناهنجاری‌های خود برآیند در این راستا پژوهش‌های برنج فروش آذر، ناظم، و افکانه (۱۴۰۱)، با این پژوهش همراستا بوده‌اند.

ارتقای بهره‌وری تدریس: راهکارهای افزایش بهره‌وری مستلزم شناخت کافی وضعیت موجود و فرهنگ کاری آموزش و پرورش است. باتوجه به تفاوت‌های مهم در فرهنگ کاری سازمان‌ها و وضعیت موجود آن‌ها می‌توان گفت راهکارهای افزایش بهره‌وری نیز در آن‌ها متفاوت خواهد بود. در سطح کلان یا ملی این وظیفه دولت است که با برنامه ریزی لازم زمینه ارتقای بهره‌وری را فراهم سازد. اما در سطح خرد یعنی در سطح مدارس، مدیریت‌ها و سازمان‌های آموزش و پرورش، وظیفه مدیران این واحدهاست که با ایجاد جو مشارکت در محیط، در کارکنان احساس غرور نسبت به کار ایجاد کرده و با تشویق کارکنان خوب و تلاشگر، گرایش و تعلق خاطر آنان را به محیط کار بیشتر کنند. آنها همچنین می‌توانند با افزایش میزان صمیمیت و ایجاد روح همکاری در محیط کار، ارتباط کارکنان و مدیران را نزدیک‌تر نموده و آنان را به مشارکت در بهبود بهره‌وری سازمان یا مدرسه تحت سرپرستی خود و کاهش اتلاف منابع راغب سازند. لازمه این امر، شناخت و تجزیه و تحلیل وضعیت فعلی و ارزیابی عملکرد فرآیندهای مختلف آموزش و پرورش و نتایج حاصل از این فرآیندها و تلاش بی‌وقفه برای دگرگونی آن است که سیستم‌های سازمان را در راستای بهبود مستمر و مطلوب و روند رو به رشد هدایت کند. افزایش بهره‌وری در آموزش و پرورش ضمن اینکه سبب افزایش کیفیت خدمات آموزش و پرورش می‌گردد، قیمت تمام شده آن را کاهش می‌دهد، بازدهی سرمایه را نیز افزایش داده و ارتقای استانداردهای زندگی را فراهم می‌سازد که این هر دو از عوامل اصلی ایجاد ثروت ملی محسوب می‌شوند.

¹ - Swanzy-Impraim, Morris, Lummis, & Jones

بنابراین، می‌توان گفت که افزایش بهره‌وری به ویژه در آموزش و پرورش بهترین ابزار برای افزایش بهبود سطح زندگی مردم و ایجاد ثروت ملی است. از دیدگاه سیستمی با گسترش این تفکر در سطح منابع اقتصادی جامعه می‌توان نتیجه گرفت که افزایش بهره‌وری آموزش و پرورش موجب افزایش بهره‌وری ملی شده و آن نیز به بالا رفتن قدرت خرید مردم، رونق اقتصادی، افزایش درآمد ملی، کاهش تورم و همچنین افزایش اشتغال در درازمدت منجر خواهد شد. این مقوله با پژوهش‌های سوانزی-ایمپرایم، ای. موریس، دبلیو لومیس و جونز^۱ (۲۰۲۲)، همراستا بود.

به هر حال، آنچه مسلم است آنکه اجرای مناسب هر نوع برنامه درسی از جمله آموزش‌های هنری مستلزم وجود شرایط لازم از جمله به رسمیت شناختن جایگاه و هویت درس هنر، فراهم بودن امکانات، زمان کافی، اهداف دقیق، محتوای منسجم و برخوردار بودن معلمان متوسطه از مهارت‌های تخصصی مرتبط با رشته‌های مختلف هنری است. از این منظر، با توجه به یافته‌های حاصله پیشنهاد می‌شود که در راستای استفاده بهتر از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درس هنر در پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی مختلف به ویژه در مقطع ابتدایی) با توجه نقش و اهمیت این دوره در رشد شخصیتی دانش‌آموزان (نظام آموزشی کشور تدابیر لازم اندیشیده شده و به طور خاص در دو عرصه یعنی مشروعیت بخشی و تعیین جایگاه واقعی و اصلی درس هنر و رفع کمبودها و چالش‌های اجرایی آن در مدارس کشور به ویژه مراکز آموزش ابتدایی تغییرات لازم انجام بگیرد. در این راستا، تغییر در نگرش و نوع نگاه سیاست‌گذاران، برنامه ریزان و مدیران نهاد آموزش و پرورش نسبت به تربیت هنری و شأن و جایگاه آن بر بهبود وضعیت هنر در مدارس تأثیر فراوانی داشته و باعث می‌شود که درس هنر در برنامه هفتگی مدارس و نیز ترجیحات آموزشی کادر مدیریتی و آموزشی صرفاً نقشی فرعی، حاشیه‌ای و تفننی نداشته و از شکل یک برنامه درسی مغفول (محدوف) خارج شود. بدیهی است این رویکرد موجب اعاده جایگاه درس هنر در مدارس همپای سایر دروس شده و مانع از برخورد خنثی و منفعلانه مراکز آموزشی و خانواده‌ها با تربیت هنری می‌شود.

از سوی دیگر، به موازات به رسمیت شناختن جایگاه تربیت هنری به عنوان یک حوزه مهم برنامه درسی انجام اقدامات کارساز جهت حل مشکلات و تنگناهای اجرایی مدارس در زمینه درس هنر نیز دارای اهمیت خاص خود است. به ویژه برنامه‌ریزی و اقدام لازم جهت تربیت نیروی انسانی متخصص هنری و به کارگیری آنها برای تدریس هنر در دوره متوسطه، آموزش کیفی معلمان مدارس متوسطه موجود جهت افزایش اثربخشی و کارایی حرفه‌ای آنها در درس هنر دارای اهمیت قابل توجهی است. از این گذشته، تخصیص و تأمین امکانات و تجهیزات هنری مدارس، ساخت و توسعه کارگاه‌ها و فضاهای هنری، تأمین مالی مدارس جهت تهیه برخی ملزومات هنری که خرید آنها برای دانش‌آموزان مقدور نیست، افزایش ساعات درس هنر در برنامه هفتگی دوره ابتدایی، برگزاری مسابقات در رشته‌های مختلف هنری و تجلیل و تقدیر از برگزیدگان، تشکیل نمایشگاه‌های آثار هنری در مدارس جهت نمایش فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان و تشویق مناسب آنها و کشف برخی استعدادها، بازدید دانش‌آموزان از نگارخانه‌ها، موزه‌ها و نمایشگاه‌های هنری و..... مواردی است که انجام آنها بسترهای عملی و لازم را جهت نقش آفرینی مثبت و سازنده تربیت هنری در مدارس فراهم کرده و در نتیجه آن رشد موزون و یکپارچه دانش‌آموزان را در همه ابعاد وجودی به همراه خواهد داشت.

¹ - Swanzy-Impraim, Morris, Lummis, & Jones

هر تحقیق علمی متأثر از برخی محدودیت هاست و این مطالعه نیز از این امر مستثنی نیست و در طول انجام تحقیق با دو محدودیت در کنترل و خارج از کنترل به شرح زیر مواجه بوده ایم: محدودیت در کنترل پژوهشگر: مساله تعمیم نتایج به کل سیستم آموزشی ایران، محدودیت های ناشی از حضور در بخش های مختلف آموزش و پرورش. و محدودیت خارج از کنترل پژوهشگر: احتیاط در پاسخگویی به مصاحبه ها، مشکلات مرتبط با جمع آوری داده های پرسشنامه از جامعه مورد مطالعه، مشکلات مرتبط با هماهنگ سازی با خبرگان جهت انجام مصاحبه کیفی.

با تجزیه و تحلیل صورت گرفته در دو بخش کیفی و کمی این تحقیق، مدل صلاحیت حرفه ای معلمان ارائه و روابط بین مولفه های آن مورد آزمون قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهادات ذیل ارائه می شود:

در راستای پیشنهادهای کاربردی پژوهش و بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد، دانش تخصصی می تواند بر روابط انسانی به عنوان صلاحیت حرفه ای معلمان هنر در مقطع متوسطه اول تأثیرگذار باشد. بر این اساس پیشنهاد می شود کمیته ای در ستاد آموزش و پرورش هر ناحیه تشکیل شده و ضمن آموزش روش های به روز تدریس و صلاحیت های حرفه ای به معلمان بر ارزشیابی های آنان نظارت داشته و در ارتقاء رتبه معلمان لحاظ نمایند.

تخصص مدیریتی به عنوان عامل زمینه ای می تواند بر نظارت بر یادگیری به عنوان یک راهبرد صلاحیت حرفه ای معلمان مؤثر باشد. لذا پیشنهاد می شود وزارت آموزش و پرورش سرفصل دوره های مدیریتی را در دوره های ضمن خدمت معلمان لحاظ نماید و هر معلم ملزم به گذراندن دوره کارآموزی پیش از تدریس به عنوان کادر مدیریتی مدارس و یا بدنه آموزش و پرورش باشد.

ارتباط مؤثر به عنوان یک عامل مداخله گر می تواند ایجاد انگیزه به عنوان یک راهبرد در صلاحیت حرفه ای معلمان را تحت تأثیر قرار دهد. لذا پیشنهاد می شود معلمان پیش از شروع تدریس زیر نظر آموزش و پرورش به مشاوره های روانشناس معرفی شده و با گذراندن آزمون های مناسب میزان مهارت برقراری ارتباط در این افراد مشخص شده و کسانی که نیاز به بهبود دارند ملزم به گذراندن دوره های مخصوص ارتباطات مؤثر زیر نظر متخصصان باشند.

روابط انسانی به عنوان پدیده محوری در صلاحیت حرفه ای معلمان بر ایجاد انگیزه و نظارت بر یادگیری به عنوان دو راهبر این مدل تأثیر دارد. بر این اساس پیشنهاد می شود از معلمان پیش از شروع تدریس و پس از آن به صورت مستمر و دوره های معرفی شده تست های شخصیت گرفته شده و آنها از سه شاخص صلاحیت ارتباطی، صلاحیت های اجتماعی و صلاحیت های رفتاری مورد سنجش قرار بگیرند. در صورت بروز مشکلات در این آزمون ها و ارزیابی ها نسبت به رفع آن با دوره های آموزشی و مشاوره ای اقدام صورت گیرد.

ایجاد انگیزه به عنوان یک راهبرد در مدل پیشنهادی می تواند بهره وری در تدریس و کاهش آسیب های اجتماعی به عنوان پیامد صلاحیت حرفه ای معلمان تحت تأثیر قرار دهد. لذا پیشنهاد می شود دانش آموزان معلمان در نظرسنجی های خود به میزان انتقال احساس ارزشمندی از سوی معلم خود و همچنین به میزان مشوق بودن معلم نمره داده و در صورت کمبود این دو شاخص در هر یک از معلمان نسبت به تعریف دوره های آموزشی و مشاوره ای برای رفع این نقص اقدام گردد.

نتایج نشان داد نظارت بر یادگیری به عنوان یک راهبرد در مدل پیشنهادی می تواند بهره وری در تدریس و کاهش آسیب های اجتماعی به عنوان پیامد صلاحیت حرفه ای معلمان تحت تأثیر قرار دهد. لذا پیشنهاد می شود با کمک دولت و وزارت آموزش

و پرورش زیرساخت‌های آموزش‌های نوین با محیط مناسب در مدارس مهیا شده و معلمان با مهارت‌های هنری خود فضای آموزش را بیش از قبل از تئوری به سمت عمل در محیط‌های مهیا شده به این منظور سوق دهند.

منابع

- آذر، عادل. (۱۳۸۰). بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). شماره ۳۷ و ۳۶: ۱۱-۱.
- ایمان زاده، علی و محب خواه، امین و اعتماد زاده، هدایت‌الله و فرهادی، مهلا. (۱۳۹۸). تبیین مدل ارتقای صلاحیت اخلاق حرفه‌ای مهندسان در رشته مهندسی عمران بر اساس نظریه زمینه‌ای.
- برنج فروش آذر گیتی، ناظم فتاح، افکانه صغری. (۱۴۰۱). واکاوی ابعاد و مولفه‌های صلاحیت حرفه‌ای معلمان با استفاده از منابع و اسناد معتبر علمی و نظر خبرگان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت. ۶ (۳): ۱۶۵-۱۴۰.
- حقیقی، مهدی و شهرکی مجاهد، لاله و محمدزاده، مرتضی و نوری شیرازی، زهرا. (۱۳۹۹). بررسی اکتشافی - تحلیلی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان بر اساس سند چشم انداز ۱۴۰۴ (برنامه جامع پنجم و ششم اسناد تحولی: دیدگاهی آینده نگر)، دومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی، بندرعباس.
- رحمانی‌فر، رحمت (۱۳۹۲). بررسی رابطه صلاحیت‌های حرفه‌ای دبیران زبان انگلیسی با احساس خودکارآمدی و خلاقیت (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- شریف پهل، محمد و عابدینی، مهنوش. (۱۳۹۹). نگاهی به عوامل مرتبط با کارایی و صلاحیت حرفه‌ای معلمان، دومین کنفرانس ملی یافته‌های نوین یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی، بندرعباس.
- شریفی، زهرا و اکبری، زهرا. (۱۳۹۸). سنجش مبتنی بر صلاحیت حرفه‌ای ملی در استانداردهای شغلی و حرفه‌ای، دومین کنفرانس بین‌المللی ترفندهای مدرن مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری با رویکرد رشد کسب و کارها.
- شهریاری، روح الله و نجفی، حسن. (۱۳۹۸). صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان تربیت دینی: ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه.
- عبدالهی، بیژن؛ دادجوی توکلی، عطیه؛ یوسلیمانی، غلامعلی. (۱۳۹۳). شناسایی و اعتبار سنجی شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان اثربخش دوره ابتدایی شهر تهران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۱۳(۴۹): ۴۸۲۵.
- قیاسی، پریسا و موسوی، فرانک. (۱۳۹۹). ارائه مدل ساختاری ارتباط شیوه‌های رهبری فناورانه مدیران با صلاحیت حرفه‌ای معلمان، همایش ملی مجازی بومی سازی؛ به روز رسانی و کارآمدی مدیریت آموزشی در سازمان‌های آموزشی، کرمانشاه.

- نجفی، مینا، قهرمانی، محمد، ابوالقاسمی، محمود، و عارفی، محبوبه. (۱۳۹۷). طراحی و تبیین الگوی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مراکز پیش دبستان، *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۹۷، پیاپی ۳۴.
- هنری، حبیب. (۱۳۹۷). طراحی مدل صلاحیت‌ها و ویژگی‌های حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی و ورزش. *مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش*. دوره پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۹. ۵۵-۶۸.
- Berenj Foroush azar, G., Nazem, F., Afkane, S. (2022). Analysis of Dimensions and Components of Teacher's Professional Competence Using Valid Scientific Sources and documents and Expert's Opinions. *Islamic Lifestyle*; 6 (3) :140-165.
- Foss, NJ., Pedersen., T. (2016). Micro foundations in Strategy Research, *Strategic Management Journal*, 37(13) E22-E34.
- Horowitz, R. (2018). Everyday Arts for Special Education: Impact on student learning and teacher development. In *Arts Evaluation and Assessment* (37-64). Palgrave Macmillan, Cham. 23. Sobhani Nejad M and T.
- Herman, J. J., & Kaufman, R. (2018). *Strategic Planning in The Educational System*. Translated by Abbas Bazargan & Farideh Mashaikh, Tehran: Manadi Tarbiat Publishing.
- Kunter, M., Klusmann, U., Baumert, J., Richter, D., Voss, T., & Hachfeld, A. (2013). Professional competence of teachers: Effects on instructional quality and student development, *Journal of Educational Psychology*, 105(3) 805.
- Murkatik, K., Harapan E., Wardiah., D. (2020). The Influence of Professional and Pedagogic Competence on Teacher's Performance. *Journal of Social Work and Science Education*, 1(1): 58-69.
- Namara, F. (2018). Factors Affecting Provision of Quality Basic Education in Nyagatare District-Rwanda. *Journal of African Interdisciplinary Studies*, 2(3), 109- 119.
- Okamoto, Y. (2020). Opportunities and challenges in multigrade teaching using direct and indirect teaching methods with zurashi and watari approaches in the philippines: Kagay-Anon Ria schools experiences. Available at SSRN 3652738.
- Ngang, T. K., Yunus, H. M., & Hashim, N. H 2015, Soft Skills Integration in Teaching Professional Training: Novice Teachers' Perspectives, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 186, 835-840.
- Nijveldt, M., Beijaard, D., Brekelmans, M., Verloop, N., & Wubbels, T. (2005). Assessing the interpersonal competence of beginning teachers: The quality of the judgement process. *International Journal of Educational Research*, 43 (1. 2), 89- 102.
- Ridge, N., & Kippels, S. (2019). UNESCO, Education, and the Private Sector: A Relationship on Whose Terms? In *Researching the Global Education Industry*. Palgrave Macmillan.

- Riekenberg, S., Farhat, K., Jung, G., Wiesmüller, K. H., Jungi, T. W., & Ulmer, A. J. (2010). Identification of full length bovine TLR1 and functional characterization of lipopeptide recognition by bovine TLR2/1 heterodimer. *Veterinary research*, 41 (3), 34.
- Shareefa, M. (2021). Using differentiated instruction in multigrade classes: A case of a small school. *Asia Pacific Journal of Education*, 41(1), 167-181.
- Swanzy-Impraim, E., Morris, J. E., Lummis, G. W., & Jones, A. (2022). Promoting creativity: Secondary visual art teachers' perceptions and understanding of creativity in Ghana. *Thinking Skills and Creativity*, 45, 101057.
- Strauss, A., Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Technique*, 2nd Edition. Sage, Newbury Park, London.
- Wagner, D. A., Castillo, N. M., & Zahra, F. T. (2020). Global learning equity and education: looking ahead.

Explanation of the components of the professional qualifications of art teachers

¹Zahra Mahaseni,^{2*} Hamidreza Motamed, ³Alireza Ghasemi Zad

¹ PhD Student in Educational Management, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.

² Department of Educational Management, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.

Corresponding Author: Hamidreza Motamed

³ Department of Educational Management, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.

Abstract

The current research was conducted with the aim of explaining the professional qualifications of art teachers in two quantitative and qualitative sections. The first phase of the research was conducted in the framework of the qualitative research tradition using the grounded theory method with a systematic approach. Based on the principle of theoretical saturation, a semi-structured exploratory interview was conducted on 15 art teachers using the purposeful sampling method (snowball). To measure the reliability of the data, the three-tier method was used. The method of data analysis in the qualitative part was the grounded theory approach. Based on this, the data were analyzed during three stages of coding (open, central, and selective). The result of the qualitative output was 97 open codes, 18 central codes and 8 selective codes. The research method in the quantitative, descriptive-survey phase, and the statistical population of the quantitative part included 362 art teachers in Shiraz, of which 187 were selected by available sampling based on Cochran's formula. The data collection tool in

the quantitative part of the researcher-made questionnaire was derived from the qualitative phase, the content and form validity of which was confirmed by 15 experts, and the validity of the structure was carried out using confirmatory factor analysis. The reliability of the tool was estimated using Cronbach's alpha coefficient of 0.7. The data were analyzed quantitatively using SPSS26 and 3 Smart pls statistical software. The findings related to the qualitative part of the research showed that there are 8 categories in the six fields of causal conditions, contextual conditions, central phenomenon, strategies, consequences, and intervening factors; Specialized knowledge, management expertise, professional qualifications of art teachers, creating motivation, improving teaching productivity and reducing social harm in school and effective communication play a role in the professional qualifications of art teachers.

Keywords: professional qualifications, teachers, art lessons